

فاوست

یوهان ولفگانگ فون

گوته

ترجمه

سعید جونز



نشر گل آذین

۱۳۹۶

فارست

اثر یوهان ولفگانگ فون گوته

مترجم: سعید جوراب

تهران: گل آذین، ۱۳۹۶.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپ

ISBN : 978-964-7703-88-8

تعداد صفحات: ۷۱۲ ص.

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۵ ف / ۲۱۰۷ PT

رده بندی دیویی: ۸۳۲/۶

شماره کتاب شناسی ملی: ۴۵۱۷۴۹۲

تسمك



نشر گل آذین

فاوست

چاپ اول و لنگانگ فون گوته

ترجمه: سعید جوزی

روح جلد چهارم آتشیاری

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شرکت چاپ و نشریات

SBN : 978-964-7703-88-8

E-mail : GOL_AZIN@YAHOO.COM

Website: WWW.GOLAZINPUB.COM

Telegram: telegram.me/golazinpub

تهران، خیابان انقلاب، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۱۴۶، واحد ۴

تلفکس: ۷ - ۶۶۹۷۰۸۱۶

این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است.
حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات گل آذین است. هرگونه اقتباس بدون مجوز کتبی از ناشر
ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹	 دیبچه
۱۹	 سخن مترجم
۲۱	 پیشگفتار در ثنات
۳۲	 پیشگفتار در آسمان
۳۹	 بخش اول
۴۱	 تراژدی
۶۵	 بیرون دروازه شهر
۸۷	 اتاق کار
۱۰۶	 اتاق کار فاوست، مفیستوفلس
۱۳۶	 سرداب آوریباخ در لایزیک
۱۵۳	 مطبخ زن جادوگر
۱۷۱	 در خیابان
۱۷۶	 غروب
۱۸۴	 گردشگاه
۱۸۸	 خانه زن همسایه
۱۹۸	 خیابان
۲۰۱	 در باغ
۲۰۹	 کلیه‌ای کوچک درون باغ

۲۱۱	جنگل و دخمه‌هایی در آن
۲۱۹	اتاق مارگارت
۲۲۱	باغ مارتا
۲۲۹	در چشمه‌سار
۲۳۲	عبادتگاه
۲۳۵	شب، خیابان روبه‌روی خانه مارگارت
۲۴۵	کدام
۲۴۹	شب والپورگیس
۲۷۲	روزی شب و نیم‌روزگیس
۲۸۴	روزی ابرو هم‌انگیز
۲۸۷	شب در میان دستزار
۲۸۹	زندان
۳۰۱	بخش دوم
	پرده اول
۳۰۳	چشم‌اندازی دلپذیر
۳۱۰	کاخ پادشاه
۳۲۶	تالار بزرگ
۳۷۲	باغی دل‌انگیز
۳۸۲	دالانی تاریک
۳۹۰	تالاری چراغان
۳۹۴	تالار شهسواران
	پرده دوم
۴۰۵	اتاقی به سبک گوتیک
۴۱۷	آزمایشگاه
۴۲۹	شب کلاسیک والپورگیس

۴۳۵	بر ساحل پنه‌نوس
۴۴۸	رود پنه‌نوس
۴۶۳	ساحل بالای پنه‌نوس
۴۷۳	مفیستوفلس در دشت
۴۹۴	صخره‌های خلیجی دریای اژه
۵۰۸	تلکین‌های رودس

پرده سوم

۵۱۹	در برابر کاخ منلاس در اسپارت
۵۵۴	داخل دژ

پرده چهارم

۶۰۱	کوهستانی بلند
۶۱۷	بر فراز کوهستان
۶۳۸	خیمه‌گاه امپراطور رقیب

پرده پنجم

۶۵۱	هوای آزاد
۶۵۶	کاخ
۶۵۸	مفیستوفلس و سه دلاور
۶۶۴	شب تیره
۶۶۹	نیمه‌شب
۶۷۱	فاوست در قصر
۶۷۷	ایوان بزرگ ستون‌دار کاخ
۶۸۲	خاکسپاری
۶۹۴	شیارهایی در کوهستان
۷۰۹	فهرست منابع

دییاجه

یوهان ولفگانگ فون گوته^۱ شاعر، ادیب، پژوهشگر، فیلسوف و سیاست‌مدار آلمانی است. وی در روز ۲۸ اوت ۱۷۴۹ در فرانکفورت و در خانواده‌ای اشرافی چشم به جهان گشود. پدر وی، یوهان کاسپار گوته^۲ با خانواده خود در آن‌سای بزرگ در فرانکفورت زندگی می‌کرد که در آن زمان شهری از توابع امپراتوری مقدس روم محسوب می‌گشت. وی به تحصیل حقوق در لایپزیگ پرداخت و مشاور سلطنتی بود. یوهان کاسپار گوته در ۱۲۰ اگوست ۱۷۴۹ زمانی که ۳۸ سال داشت با کاترینا الیزابت تکستور^۳ که ۱۷ ساله بود ازدواج کرد. تمام فرزندانشان جز یوهان ولفگانگ و خواهرش کورنلیا فریدریک کریستینا که در سال ۱۷۵۰ متولد گشت، در سن کودکی جان سپردند. پدر گوته، به همراه آموزگاران خصوصی، پایه‌های تمام علوم رایج آن زمان را به وی آموخت و آنچه در آن بین توسط پدرش پافشاری شد آموختن زبان‌های بسیار از جمله لاتین، یونانی، فرانسه، ایتالیایی، انگلیسی و عبری بود که گوته با استعداد فراوان و البته پشتکار بی‌نظیر خود با علاقه به فراگیری آن‌ها پرداخت. خود گوته بعدها آموزش‌هایی نیز در زمینه رقص، شمشیربازی و دریانوردی دید. در سال ۱۷۵۹ زمانی که فرانکفورت تحت اشغال سپاه لویی پانزدهم قرار داشت زبان فرانسه را کاملاً آموخت. پدر گوته آرزو داشت که فرزندانش به جایگاهی که خود وی دست نیافته بود برسند. اشتیاق فراوان وی برای گوته این بود که بتواند به عنوان متبحری شود. بنابراین وی را تشویق کرد که در سن ۱۶ سالگی در رشته حقوق ثبت نام کند اما در حیطه ادب و حساس گوته هنر و ادبیات را ترجیح می‌داد. بنابراین از سال ۱۷۶۵ تا ۱۷۶۸ که در شهر لایپزیگ به تحصیل مشغول بود به سرودن اشعار بسیاری پرداخت که البته عشق نوجوانانه وی به گرترچن در آن بی‌تأثیر نبود. گوته به سرعت جذب ادبیات شد. فریدریش گوته کلوشتوک و هومر اولین نویسندگان مورد علاقه او بودند. می‌توان گفت پایه آثار وی را بیش این دو و علی‌الخصوص هومر تحت تأثیر قرار داده‌اند. هرچند گوته به دلیل برخورداری از حکمت ژرف خود محدود به چهارچوبی خاص نبوده و همواره در پی سنت‌شکنی

1. Johann Wolfgang von Goethe

2. Johann Caspar Goethe

3. Cathrina Elizabeth Textor

بوده است. گوته در خلال سال‌های ۱۷۶۵ الی ۱۷۶۸ به فراگیری حقوق در دانشگاه لایپزیگ پرداخت. در لایپزیگ، گوته عاشق دختری به نام آناکاترین شون کوف^۱ شد و اشعاری در وصف وی به سبک روکو کو سرود. در سال ۱۷۷۰ وی به طور مستعار اولین مجموعه اشعار خود را با نام آنته^۲ منتشر ساخت. در همان اثنا، حضور در میخانه آورباخ و افسانه‌های پیرامون فاوست که گفته می‌شد در سال ۱۵۲۵ در آنجا حضور داشته است وی را تحت تأثیر قرار داده و باعث شد که میخانه آورباخ تنها مکان حقیقی بخش اول نمایشنامه فاوست باشد. در اواخر سال ۱۷۶۸ مجبور شد به فرانکفورت مراجعه کند و همانجا به طور مداوم به بیماری دچار شد که در همان سال و تیمی از سال بعد وی را زمین گیر کرد و احتمالاً همین امر موجب سرد شدن روابطش با پدرش شد. در همین سال‌ها مادر و خواهرش تیمار از وی را برعهده گرفتند. در آوریل ۱۷۷۰ که به بالاچار برای اتمام تحصیلات خود به دانشگاه استراسبورگ رفت. استراسبورگ مرکز ناحیه آلزاس است که در قدیم الایم، مرکز آموزش‌های دانشگاهی و مرکز تجمع دانشجویان از سراسر اروپا بود. پس از جنگ جهانی اول، پایه معاهده ورسای این ناحیه به فرانسه واگذار شد اما پیش از آن تحت حاکمیت آلمان قرار داشت. شرایط خاص جغرافیایی، آب و هوای دل‌انگیز و بیش از همه، رود راین طبع لطیف گوته را شکوفا کرد. رفته رفته در آنجا با یوهان گوته‌فرید هر^۳د^۴ر فیلسوف و ادیب شهیر آلمانی ملاقات کرد. آن دو به دوستانی سمیم^۵ بدل شدند. هر^۳د علائق خود را در زمینه آثار شکسپیر و جمع‌آوری متن و سرودهای فولکلور را با گوته در میان گذاشت و این مصاحبت آنچنان در گوته تأثیر گذاشت که او در ۱۴ اکتبر ۱۷۷۲ انجمنی را تشکیل داده و به مناسبت اولین «روز شکسپیر» در آلمان یک گردهم‌آیی ادبی در منزل پدری خود برگزار کرد. هر^۳د که گوته به همراه هومر، دانته و شکسپیر همواره به عنوان چهار رکن ادبیات اروپا شناخته می‌شود اما تأثیر این سه شاعر بر روی گوته را نمی‌توان نادیده انگاشت. در همین رابطه حضور شخصیت‌های نمایشنامه‌های شکسپیر را می‌توان به وضوح در آثار گوته مشاهده نمود. هرچند که از نگاه بسیاری از منتقدین، این اثرها تنها ادای احترامی است از یک ادیب گرانقدر به شخصی همانند خود. در اکتبر ۱۷۷۰ گوته طی سفری که به دهکده‌ای به نام سسن‌هایم^۴ در شمال شرقی ناحیه آلزاس داشت دلپاخته دختری به نام فریدریکه بریون^۵ شد؛ اما رابطه آن‌ها به دلایل نامعلومی پس از ده ماه در آگوست ۱۷۷۱ به پایان رسید. تعدادی از سروده‌های وی مانند (sesenheimer Lieder)، (Willkommen Abschied) و (Heidenröslein) به این دوران اشاره دارند. فریدریکه سومین فرزند از پنج فرزند جیکوب بریون بود که در یکی از ادارات دولتی پستی داشت و در جریان انقلاب فرانسه مجبور به گریز شده بود. گوته جوان مانند دیگر دانشجویان در میهمانخانه‌ای

1. Anna Katharina SchonKopf

2. Annette

3. Johann Gottfried Herder

4. Sessenheim

5. Friedrike Brion

اقامت داشت و طی مدتی که مشغول تحصیل حقوق بود فریدریکه را دید و دل‌باخته او شد. هرچند این عشق سرانجامی در بر نداشت اما گوته را سخت تحت تاثیر قرار داد. روزهای پایانی آگوست ۱۷۷۱ گوته مدرک لیسانس خود را دریافت کرد و یک دفتر کوچک جهت انجام امور حقوقی تاسیس نمود اما در پیشبرد آن نیز شیوه خاص خود را در پیش گرفت و به جهت آنکه علوم‌ی که فرا گرفته بود بیشتر شامل حقوق الهی بود تا حقوق شهروندی و بشری، به دلیل ناآزمودگی در پرونده‌های اولیه خود به سختی شکست خورده و وی را در مورد اینکه وکالت را به عنوان شغل خود دنبال کند دچار تردید ساخت. در همان اوان به واسطه ارتباطاتی که با اشخاصی چون یوهان هاینریش مرک و یوهان جورج اشلوسر داشت تصمیم گرفت تا مجدداً در زمینه ادبیات به فعالیت بپردازد. این بار پدرش نه تنها با وی مخالفت نکرد بلکه در فواصل بهاری اش شتافت. گوته دستنویسی از زندگی‌نامه یک نجیب‌زاده راهزن به دست آورد و مشغول به کار بر روی آن شد. طی چند هفته آنرا به نمایشنامه‌ای پر رنگ و لعاب بدل ساخت. در ماه می ۱۷۷۲ یکبار دیگر وندهای حقوقی در وتسلار را به دست گرفت و به دفاع مشغول شد. همین امر موجب شد که مدتی از ادبیات جدا شود. در ۱۷۷۴ کتابی نگاشت که شهرتی فراگیر به او بخشید: «رنج‌های ورتر جوان». گوته در آن زمان بیست و پنج ساله بود. در این کتاب احساسات برانگیز مقوله خودکشی به گونه‌ای توجیه شده بود. همین امر مخالفان کثیری را حانیون را برانگیخته و موجب شد فروش آن ممنوع شود اما همین ممنوعیت و هیاهوی ناشی از آن شهرتی و رزافزون به آن بخشیده و فروشش را فزونی بخشید. در طی زمان کوتاهی این اثر به چندین زبان ترجمه شد و نام گوته را زبانه زد مردم اروپا گرداند. این کتاب گویای تجربیات خود گوته است زمانی که در وتسلار در دام عشق شارلوت باف گرفتار شده بود. اما شارلوت، عشق گوته را رد کرده و با یوهان کریستیان کستر، یک دیپلمات و مجموعه‌دار آثار هنری بود ازدواج کرد. در سال ۱۷۴۲ گوته به دلیل آوازه‌ای که رنج‌های ورتر جوان به دست آورده بود به دربار کارل آگوست، که دوک بزرگ ساکس، وایمار - آیزناخ بود دعوت شد. دوک در آن زمان هجده سال سن داشت و گوته بیست و شش سال. بدین گونه گوته برای زندگی به وایمار رفت و در آنجا بقیه عمرش را سپری کرد. او برای مدت طولانی به سمت مشاور و البته معلم دوک برگزیده شد. در سال ۱۷۷۶ گوته رابطه صمیمانه‌ای با شارلوت فون اشتاین بانویی که از وی بزرگتر و البته متأهل بود آغاز کرد. اما پس از این که گوته به طور ناگهانی و بدون توجه به او به ایتالیا سفر کرد رابطه نزدیک آنها به سردی گرایید. پس از این جدایی، فون اشتاین از لحاظ عاطفی افسرده شد اما پس از مدتی مجدداً رابطه خود با گوته را از سر گرفت.

گوته در وایمار جدا از وظایف اداری خود دوست و رازدار دوک بود و کاملاً در امور و فعالیت‌های درباری به عنوان شریک وی شناخته می‌شد. ده سال اول گوته در وایمار را می‌توان به عنوان سکوی کسب مقام و تجربه‌هایی متفاوت دانست که از راه دیگر قابل دسترس نبودند. در سال ۱۷۷۹ گوته مسئولیت

کمیسیون جنگ دوک بزرگ ساکس - وایمار را به عهده گرفت. علاوه بر آن مسئولیت کمیسیون معادن و راه‌ها نیز به او سپرده شد. در سال ۱۷۸۲ وقتی که نماینده و خزانه‌دار دوک مقام خود را ترک کرد گوته سمت و جایگاه او را برای دو و نیم سال پذیرفت. این سمت سبب شد که گوته نخست‌وزیر و نماینده اصلی دوک شود به این ترتیب گوته مرد شریف سال ۱۷۷۲ لقب گرفت. به همین دلیل کلمه فون (Von) به نامش اضافه شد. به عنوان رهبر کمیسیون جنگ، گوته مشغول منتقل کردن مردم به مناطق دیگر و مذاکره درباره افراد بی‌خانمان، مجرمین و مخالفین سیاسی هم در نظام پروس و هم بریتانیا در دوران انقلاب آمریکا بود. اگرچه شاهزادگان دیگر نیز در امور مشابه فعالیت داشتند، اما مشارکت فعالانه گوته هم در تجارت برده‌های مزدور و همچنین فرستادن نیرو برای مبارزه علیه جنگ استقلال آمریکا موجب شد که شرت ایبانه و انسان‌دوستانه وی توسط معاصران معنویتش مورد انتقاد قرار گیرد. سفر گوته به شبه جزیره ایتالیا و سیسیل از ال ۱۷۸۶ تا ۱۷۸۸ نقطه عطفی در توسعه جهان‌بینی، زیباشناسی و فلسفه گوته بود. هرچند که او سفر مشابهی در دوران جوانی خود داشت اما تأثیر یوهان یوآخیم وینکل مان باعث شد گوته در تجدید دیدار با سارایک، یونان و روم باستان به مسافرت به ایتالیا مبادرت کند. در طول مدت این سفر او با هنرمندانی همچون گاربا، کافمن، یوهان هاینریش، ویلهلم تیشپین و همچنین شخصیت‌های مهمی مانند لیدی هامیلتون و الساندر کالگو ترو ملاقات و دیدار کرد. او در این مدت به سیسیل سفر کرد و نامه‌ای علاقه‌مندانه در مورد آن نوشت:

«اگر تمام ایتالیا را بدون سیسیل ببینید گوی هیچ‌جای ایتالیا را ندیده‌اید چرا که سیسیل اثری از هر چیز آن در خود دارد.»

زمانی که گوته برای اولین بار به جنوب رفت با زیبایی در آن سادگی سیسیل مواجه شد. معماری دقیق یونانی در مخالفت با معماری رومی و سبک متمایز آن او را مجذوب کرد. همان چیزی که وینکل مان تفاوت بین آن دو سبک را متوجه نشده بود. خاطرات روزنگار گوته در آن مدت پایه کتاب «سفر به ایتالیا» را شکل داد که نوشته‌هایی بود از خاطرات گوته در آن سفر. در خلال این مدت تا سال ۱۸۱۶ سبک خاص و شهرت روزافزون گوته باعث شد که تعداد زیادی از جوانان آلمانی گوته را به عنوان الگوی خود در نظر گیرند.

وایمار

در اواخر سال ۱۷۹۴ گوته در نبرد المی بر علیه انقلاب فرانسه نقش داشت و با کارل آگوست ساکس وایمار در زمانی که هجوم فرانسه موفق واقع نشد، همکاری می‌کرد. او مجدداً به عنوان ناظر نظامی در دوره محاصره کردن ماینتز با کارل آگوست همکاری کرد. فهرست نوشته شده این وقایع را در آثار کامل او می‌توان مشاهده کرد.

در سال ۱۷۹۴، فریدریش شیلر یک نامه دوستانه برای گوته فرستاد که سرآغازی بود بر نامه نگاری های پیوسته بین آن دو که می توان گفت اساس نامه نگاری آلمان را شکل داد. آنها فقط رابطه مشترک و محفوظی بعد از اولین آشنایی در سال ۱۷۸۸ داشتند. این دوستی دو طرفه تا مرگ شیلر در سال ۱۸۰۵ به طول انجامید.

گوته در سال ۱۸۰۶ با همراهش "کریستینا فالیوس" و پسرش جولوس آگوست والتر فون گوته زندگی می کرد. در ۱۳ اکتبر همان سال، ارتش ناپلئون به شهر هجوم آوردند. بی نظم ترین سربازها "اسپون گارد" های فرانسه خانه گوته را اشغال کردند.

اسپون گارد ها را شکستند و وارد خانه شدند، آن ها شراب نوشیده بودند. داد و فریاد می کردند و دنبال صاحب خانه بودند. منشی گوته "رایمر" که تقریباً برهنه بود و فقط لباس خواب بر تن داشت از راه پله آمد پایین و از آن ها پرسید که از صاحب خانه چه میخواهند. اندام بزرگ، احترام برانگیز و چهره معنوی او ظاهراً سربازها را تحت تأثیر قرار داد. اما خیلی طول نکشید. نیمه های شب در اتاق خواب گوته را با سرنیزه شکستند. گوته بسیار ترسید. برد و کریستینا هم جیغ می کشید و حتی با آن ها گلاویز شد. افراد دیگری که در خانه گوته زندگی می کردند ریه آآمدند، سپس غارتگران مجدداً عقب کشیدند. محافظت از آشپزخانه و انبار مقابل سربازان غارتگر و حشمت و وظیفه کریستینا بود. گوته در خاطرات روز نوشتن چنین ذکر کرده: آتش، غارت، یک شب وحشتناک... محافظان خانه به دلیل پایداری و خوش شانسی میسر شد. روزهای پس از آن در ۱۹ اکتبر ۱۸۰۶، کم بعد از ۱۸ سال رابطه با کریستینا ازدواج کرد و در کلیسای یاکوبسکریش در وایمار جشن گرفتند. آنها چند فرزند داشتند از آن جمله پسرشان جولوس آگوست والتر فون گوته (۲۵ دسامبر ۱۷۸۹ - ۲۶ اکتبر ۱۸۰۶)، همسر او اوتیله فون بوگیش که تا مرگ او در سال ۱۸۳۲ از او مراقبت کرد. زوج جوان تر سه فرزند داشتند: والتر فون گوته (۹ آوریل ۱۸۱۸ - ۱۵ آوریل ۱۸۸۵)، ولفگانگ فریهر فان گوته (۱۸ سپتامبر ۱۸۲۰ - ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۳) و آلمان فون گوته (۲۹ اکتبر ۱۸۲۷ - ۲۹ سپتامبر ۱۸۴۴). کریستینا سال ۱۸۱۶ فوت کرد.

اواخر زندگی گوته

بعد از سال ۱۷۹۳، گوته تمام تلاشش را صرف کلیات ادبیات کرد. تا سال ۱۸۲۰، گوته دوران شیرینی را با کاسپر ماریا فان استرنبرگ سپری کرد. در سال ۱۸۲۳، او از یک بیماری قلبی کشته نجات یافت و گوته عاشق اولریکه لفترو شد و با او قصد ازدواج داشت، اما او به خاطر مخالفت مادرش هیچوقت خواستگاری نکرد. آخرین دیدار او با اولریکه در ۵ سپتامبر ۱۸۲۳ در شهر کارلووی واری بود که او را برانگیخت شعر "Marienbader Elegie" که یکی از معروف ترین آثار او است را بنویسد. در همان دوره او همچنین رابطه ای بسیار عاطفی را با "ماریا زیمانسکات" نوازنده پیانو، آغاز کرد.

مرگ

گوته در سال ۱۸۳۲، به دلیل بیماری قلبی در وایمار در گذشت. آخرین حرف او "mehr licht" به معنی فروغ بیشتر، به دکترش کارل واگل بود. او در دوکال فالت یک قبرستان تاریخی در وایمار دفن شد. یوهان پتر اکرمان آثار معروفش را به اسم "گفت و شنود با گوته" با این قطعه تکمیل کرد:

«صبح روز بعد از مرگ گوته، با حسی قوی تحریک شدم که دوباره به دیدن کالبد خاکی او بروم. خدمتکار او "فردریک" در اتاقی که در آن جنازه قرار گرفته بود را برایم باز کرد. او را به پشت خوابانده بودند. گویی که خواب است. آرامشی ژرف و آسایشی خاص در چهره با شکوه و والای او وجود داشت. به نظر می آمد که پیشانی بزرگ او هنوز هم دارای اندیشه و افکار است. دوست دانه چند تاری از موهایش را ببرم و نگه دارم اما حرمت وی من را از قیچی کردن موهای او منع می کرد. پدر او، مریان بود فقط بایک ملافه سفید پوشانده شده بود. تکه های بزرگ یخ را به دلیل تازگی، داشتند تا آنجا که ممکن بود، در کنار او قرار داده بودند. فردریک ملافه را به کناری کشید. و من از اعضای بدن با شکوه او حیرت زده شدم. سینه او نیرومند، پهن و قوسی شکل بود. بازو و رانهایش زیاده و همه اندامش عالی بود. در هیچ جای بدنش اثری از چربی، لاغری یا فرسودگی نبود. یک اثر نابل از من تجلل و شکوه را فراهم کرده بود. و این خلصه موجب شد لحظه ای فراموش کنم که آن بدن بادی این منزل را ترک کرده است. دستم را روی قلبش گذاشتم، سکوت عمیقی بود. بر شستم و اشک های متوقف شده را خالی کردم.»

اولین اپرنامه "ریشارد واگنر" به نام لوهنگرین در سال ۱۸۵۰ اجرا شد. رهبر ارکستر «فرانتس لیست» بود که روز اجرا را ۲۸ آگوست برای عزت و احترام گوته انتخاب کرد که در همین روز در سال ۱۷۴۹ به دنیا آمد.